

2- "تحفه تو، کفن من!"

نوشته: انجنیر محمد نذیر تنویر، هالند
در حاشیہ کنفرانس قطر، چشم دید ها، تجربیات، شناسایی بحران، و راهکرد های عملی رفع بحران از برای نشست های آینده

Author & Graphic Design: M.N. Tanwir



بخش دوم:

پس از دو ساعت استراحت، زنگ ساعت مرا برای نماز صبح بیدار ساخت. در هنگام ورود به هتل سراغ آدرس مسجد را گرفته بودم که متأسفانه در نزدیکی های آن محل قرار نداشت. ادای نماز صبح، خستگی های سفر و کم خوابی را تا حدی رفع گردانید، و تعهدم را دوباره بخاطر آوردم:

«تعهد با پروردگارم که کمترین لحظه خویش را از برای هوای نفس بهدر نخواهم برد.»

بخاطرم رسید که قبل از سفر، ایمیلی را برای مجاهد صاحب (ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی) فرستاده بودم، و از ایشان درخواست آدرس و نمبر تلفون «دفتر امارت اسلامی در قطر» را نموده بودم. خوشبختانه (wifi) هتل بدون کودنمبر فعال گشت و جواب ایمیل که ساعت 05:14 نهم اپریل ارسال شده بود را دریافت کردم. وی از لغو کنفرانس خبر داده بود که دیگر برایم ناوقت بود، در ضمن نمبر تلفون محمد سهیل شاهین سخنگوی دفتر امارت اسلامی را نیز برایم ارسال داشته بود.

سپواتز کنفرانس توسط رژیم دست نشانده را، خیر از جانب الله جل جلاله پنداشته، و از عدم برخورد با چهره های منفور و خائن احساس آرامش برایم پدید آمد. با خود گفتم، زمانی آن فرا رسیده تا از موجودیت حضور خویش در قطر استفاده اعظمی برده، و با فرزندان دلسوز و نمایندگان واقعی این خطه (امارت اسلامی)، گفتگو و تفاهم صورت گیرد.

در اولین فرصت میزکار را آماده ساخته، و زمانی که «لپ تاب» را با برق وصل میداشتم متوجه تفاوت سیستم برق آنجا با اروپا گشتم. در همان «صبح وقت» به دفتر پذیرش «رئیس» هتل مراجعه نموده، ضمن درخواست اداپتر تبدیل برق، سراغ مطبعه (printer)

را نیز شدم. خوشبختانه در آنجا سالون بزرگی مجهز با تمام وسایل رسانه‌یی (Media Tech)، کمپیوترها، پرنتز و انواع وسایل بازی‌های کمپیوتری نیز موجود بود. در اطاق ماشین تهیه قهوه نیز وجود داشت که در رفع خواب‌گرفتگی و خستگی خیلی موثر بود. در جریان کار، برای اطمینان خاطر سری به سالون میدیا تیک زده و با (USB) که داشتم فایل نوشته‌هایم را باز نمودم. از اینکه در کمپیوتر آنجا زبان دری موجود نبود، نخست آنرا نصب و بعداً اولین یادداشت‌هایم را چاپ نمودم.

ساعت هشت صبح با داخل شدن اوقات کاری مکرراً سعی داشتم تا ارتباط با دفتر امارت اسلامی افغانستان در دوحه برقرار نمایم که موفق نشدم. از مرکز خدمات هتل نیز کمک طلبیدم، اما نتیجه نداد. زمانی که از ایشان سراغ آدرس دفتر امارت اسلامی را گرفتم، تازه یکی دیگر از صفحات مظلومیت این جریان (طالبان) برایم باز گردید.

بلی! آنچه که در میدیا‌های ملی و بین‌المللی، تصویری از دفتر امارت را به روی صفحات تلویزیون به تصویر می‌کشاند، همه دروغ و خیالی می‌باشد. هشت سال قبل، زمانی که در بچه‌ای از برای گفتگو و تفاهم در دوحه قطر باز گردید، و دفتری برای امارت اسلامی تاسیس یافت، اداره فاسد کابل (که در ظاهر طالبان را برادر خطاب می‌داشت) آنرا حکومت موازی با خود خواند، و با فشارهای پیهمی که بر کشور قطر وارد نموده بود، توانست تا دروازه‌های این دفتر را به روی همه ببندد.

دوباره برای مجاهد صاحب (ذبیح الله مجاهد) ایمیل فرستاده و از وی در این رابطه طلب همکاری گشتم. بعد از پنج ساعت کار؛ زمانی که نیم ساعتی به ختم صرف صبحانه نمانده بود، اطاق را بقصد رستورانت هتل ترک گفتم. زمانی که سراغ محل رستورانت را گرفتم، رهنمای هتل مرا به گوشه‌یی از رستورانت رهنمایی نمود که دیگر افراد دعوت شده به این کنفرانس حضور داشتند.

جوی معرفی یکدیگرشان بود که بنده در جمع ایشان پیوستم. برادر عبید الله علم با گرمی از بنده استقبال نموده و نیز شناختی که از نوشته‌هایم داشت به دیگران نیز معرفی داشت. در جریان معرفی همدیگر، دفترچه و قلمی را که در دسترس داشتم به دوستان پیشکش نموده و از ایشان خواستم تا اسم، محل «بود و باش» و نمبر تلفونشان را بنویسند. با شکل‌گیری اسامی بر روی کاغذ، محترم داود عظیمی، حدید الله نظیم و عمران فیروز ابتکار ساختن گروپی را زیر عنوان «افغانی سولی ناسته» در «WhatsApp» گرفتند که سهولت مزیدی را در ارتباطات میان مایان پدید آورد.

تبادل افکار و ارائه نظریات، آغاز نخستین شناخت از دیدگاه‌های همدیگر بود که در مجموع منتهی به موضوع‌گیری مشترک گردید تا از حضور خویش در دوحه استفاده مثبت بریم. پس بدین منظور می‌باید نظریات، دیدگاه‌ها و طرح‌های ابتکاری خویش را با بزرگان امارت اسلامی روی بحث بکشانیم. بنده پای را از این هم فراتر گذاشته و از دوستان خواستم تا از برای «بی‌اهمیت» جلوه دادن حضور افراد اداره کابل، سعی نمایم تا برادران طالب را متقاعد به ادامه کنفرانس در روزهای 20 و 21 اپریل نمایم، و در پایان نیز با صدور قطعنامه، جلسه خویش را پایان بخشیم. کاری دشوار؛ اما با «جرات عمل» امکان‌پذیر بود، که می‌باید قبل از آغاز جلسه مقدمات آن فراهم می‌گشت. برای فراهم نمودن این مقدمات، در کار بود تا در قدم نخست با برادران «دفتر امارت اسلامی» تفاهم بعمل می‌آمد. از مشکل تخنیکی عدم آدرس و تماس با سخنگوی دفتر امارت (محمد سهیل شاهین) با عظیمی صاحب صحبت نمودم، و در ضم نیز یاد آور شدم که منتظر جواب ایمیل مجاهد صاحب می‌باشم. عظیمی صاحب لطف نموده و نمبر یکی دیگر از همکاران دفتر امارت را برایم سپرد.

وقت نماز جمعه نزدیک می‌گشت، و دوستان حلقه ما تمایل اشتراک در آنرا داشتند. قبل از حرکت بسوی مسجد، به اطاق خویش سرزده، و دوباره سعی بر برقراری تماس با دفتر امارت را نمودم. خوشبختانه تماس‌هایم از طریق اعمار یاسر (پسر استاد یاسر حفظه الله) با سخنگوی دفتر امارت اسلامی نیز برقرار گردید. بنده سعی داشتم تا شاهین صاحب را معتقد به ادامه کنفرانس در روزهای 20 و 21 اپریل نمایم، اما قیوداتی وضع شده از جانب کشور قطر، دست باز به آنها نمی‌داد، که وضاحت این مطلب در نشست همان روز با سلطان برکات؛ رئیس «مرکز مطالعات بشری و منازعات انستیتوت دوحه» نیز هویدا گشت.

گروپ «وتس‌اپ» خبر داد که رونده مسجد هستند. اطاق را بقصد ادای نماز جمعه ترک گفته، و با چند تن دیگر، از «تکسی ران» خواستیم تا ما را به نزدیکترین مسجد آن محل برساند. مسجد زیبا و مدرن را؛ که در کناره جاده قرار داشت، در یک فضای آرام یافتیم. به جز چند تن از کارگران آسیایی ساختمان‌های در حال عمران آن محل، کسی از باشندگان قطری را در آنجا نیافتیم. مسجد بدون امام و خالی از نمازگزاران؛ آنهم در یک کشور عربی، مرا بفرار اروپا انداخت که در روز جمعه جای پای ماندن در مساجد پیدا نمی‌شود. حالا حتی یک فرد مقیم دیده نمی‌شود که حداقل نماز ظهر را برای ما جماعت دهد. بعد از تحیات مسجد از قاری صاحب سلطان محمد تقاضا کردیم، وی گفت که نمازش را انفرادی خوانده است. دوستان زمانی که از من خواهش نمودند، با پیشانی باز آنرا پذیرفته و از کارگران آسیایی خواستم تا آنها نمازشان را مکمل ادا نمایند، چونکه ما مسافر هستیم.

دوباره به هتل برگشتیم، و با ترک دوستان در پی اتمام نوشته ها شدم. در جریان کار، تلفون از مرکز مطالعات دوحه آمد و تذکر رفت که ساعت دو بعد ظهر در یکی از سالون های رستوران با **سلطان برکات** نشست داریم. ده دقیقه قبل از آغاز جلسه در آنجا حضور یافتیم که مسبب معرفت با **فدا جان** (ژورنالیست نن آسیا) نیز گشت. در ضمن صحبت، از وی سراغ عدم چاپ مضامینم را در سایت (نن آسیا) گرفتم که چنین جواب داد:

«تئویر صاحب، ما با نوشته های خودت کمی مشکل داریم.»

دیگر تا ختم سفر، متأسفانه موقع مساعد نگشت تا جویایی این مشکل را می گشتم.

پروفیسور سلطان برکات؛ رئیس «مرکز مطالعات بشری و منازعات انستیتوت دوحه» با تیمی از شاگردانش در آنجا حضور یافتند، و به دور میزی که از قبل ترتیب یافته بود نشستیم. مردی آرام و خوش برخورد که در آغاز صحبتش خواست تا به جز از مهمانان دعوت شده، دیگران جلسه را ترک گویند که **فدا جان** (ژورنالیست نن آسیا) آنجا را ترک گفت.

وی پس از خیر مقدم گفتن مهمانان، به معرفی فشرده خویش، و اعضای تیم اش و نیز انستیتوت دوحه پرداخت و سپس از مهمانان خواست تا خودشان را معرفی بدارند. صحبت ها همه به زبان انگلیسی بود، اما زمانیکه ضرورت به «ترجمه» پیدا می شد، افراد تیم ما (مهمانان) همدیگر شان را همکاری می نمودند. محور اصلی صحبت های آقای برکات روی لغو کنفرانس تمرکز یافته بود، که عامل آن را هر دو طرف مذاکره کننده (امارت اسلامی و حکومت کابل) می دانست. حرف های وی محتاطانه، و از برای حفظ روابط دول استوار بود؛ تا در آینده چانس میزبانی همچو کنفرانس ها را از دست ندهند. اما تقصیر حکومت کابل، در لابلای صحبت هایش به آسانی هویدا و محسوس بود.

از وضعیت چنان پیدا بود که آقای برکات از تماس و ارتباطات مهمانان با اعضای «دفتر امارت اسلامی» آگاهی حاصل نموده، و از ادامه کنفرانس خیلی تشویش داشت. به همین منظور، وی بدیل «عدم ادامه کنفرانس» را، در دو گزینه پیشکش مهمانان نمود:

1- ترتیب برگشت سریع مهمانان به کشور های شان؛

2- ترتیب گردش سیاحتی (travel tours) در کشور قطر و دیدن از اماکن مهم و تاریخی آن کشور.

قبل از آنکه دوستان موقع حاصل نمایند تا روی این دو گزینه تصمیم گیرند، با تسط محدودی که به زبان انگلیسی داشتیم زود عکس العمل نشان داده، که خوشبختانه نظیم صاحب که در پهلویم قرار داشت در شرح و تفصیل آن بنده را نیز کمک می شد. بنده صریحاً برای آقای برکات بیان داشتیم که:

«ما نه قبل از موعد تعیین شده به کشور های خویش بر می گردیم، و نه ما از برای سیاحت به این جا سفر نموده ایم. اما علاقمند بازدید از انستیتوت دوحه پس از نشست با بزرگان «دفتر سیاسی امارت اسلامی» می باشیم. اصلاً برای ما «بودن و نبودن» افراد اداره کابل از قبل بی ارزش بود. حالا در عدم حضور سیاهی لشکر (افراد اداره کابل)، وقت بیشتر برای ما مساعد گردیده است که این خود یک فرصت طلایی برای ما بوده می تواند. پس ما خواهان ادامه کنفرانس در همین روز های تعیین شده می باشیم، تا بتوانیم به راحتی دیدگاه های خویش را با مسئولین امارت اسلامی؛ که طرف اصلی قضیه کشور می باشند، در میان گذاریم.»

بعداً حدید الله نظیم به زبان روان انگلیسی روی این مطلب وضاحت و روشنی بیشتری انداخت و در ضمن نظریات خودش را نیز بیان داشت که خوشبختانه با تایید بیشتر اعضای تیم ما، موضعگیری ما ثقلت بیشتری حاصل نمود. اما آقای برکات با پس منظر قضیه، و حساس بودن آن در روابط دول، بر عدم ادامه این کنفرانس اصرار می داشت. وی صریحاً بیان داشت که مهمانان نمی توانند از امکانات هتل و سالون های کنفرانس آنجا از برای ادامه کنفرانس با نمایندگان طالب استفاده برند، و در این رابطه دلایل بیشتری را پیشکش نمود. صحبت ما به درازا کشید، و زمانی که دوباره موقع برایم مساعد گشت برایش گفتم:

«کشور قطر یگانه کشوری خلیج می باشد که بیشتر به موازین «آزادی بیان» ارزش قایل است. به همین علت نقش «تلویزیون الجزیره» در رسانیدن اخبار در هر گوشه و کنار جهان محسوس می باشد. پس این چگونه «آزادی بیان» بوده می تواند که شما میان را از «دید و بازید» با نمایندگان کشور خودمان (طالبان) منع می دارید؟ در این جای شک نیست که ما با دیدگاه ها و دلایلی که ارائه داشتید احترام می گذاریم، و جلسات خویش را در سالون های اینجا ترتیب نمی دهیم. پس شما نیز نباید مانع «دید و بازید» و «رفت و آمد» های میان، با دیگران و نمایندگان واقعی کشور خودمان شوید.»

بعداً حدید الله نظیم و عمران فیروز روی این مطلب، و مطالب دیگر، صحبت تفصیلی و طولانی با ایشان داشتند. خوشبختانه پروفیسور برکات، قبل از صرف غذا با ما به توافق رسید که جلسات با طالبان را در محل غیر از هتل «شراتون گرند» (Sheraton Grand) می توانیم ترتیب دهیم. وی در ضمن نیز بیان داشت که در برابر «دید و بازید» و «رفت و آمد» انفرادی با طالبان هیچ کدام محدودیت و مشکلی وجود نخواهد داشت.

بخش سوم:

زمان صرف غذا آغاز یافت، و از موقع استفاده برده و زود سری به اطاقم زدم. از تلفون آنجا نخست با عمار یاسر و بعداً با سخنگوی «دفتر امارت اسلامی» شاهین صاحب صحبت تفصیلی نمودم و از ایشان خواستم که بعد از این ابتکار عمل در دست شما خواهد بود، و ما منتظر تصامیم شما می مانیم....

(منتظر ادامه بخش سوم بمانید)

نوت: بخش اول، روی این لینک:

http://www.2afghan.nl/20190521-YourGiftMyShroud_P1.pdf